

# پژوهش‌ها در معماری اسلامی ۶

شماره شایا - 980 X - 2382

فصلنامه علمی - پژوهشی  
قطب علمی معماری اسلامی  
سال سوم - شماره اول - بهار ۱۳۹۴

▣ بررسی تطبیقی هنجارهای ریخت‌شناسی شهرسازی اسلامی در بافت تاریخی،  
(موردکاوی: محله سرچشمه شهر گرگان)  
مصطفی بهزادفر / نوشین رضوانی

▣ الگوواره دانش روانشناسی محیط در تعامل با اندیشه اسلامی  
مسعود ناری قمی / مینو قره‌بگلو

▣ ساحت مجهول در معماری، لزوم بررسی ابعاد معرفت شناختی انسان در معماری  
سجاد ریش سفید نوش آبادی / آزیتا بلالی اسکویی / محمدعلی کی نژاد

▣ تبیین نقش آموزشی فضای باز در مدارس ایران با مطالعه تطبیقی مدارس سنتی تا  
معاصر (نمونه‌های موردی: مدرسه‌های چهارباغ، دارالفنون و البرز)  
سارا طاهرسیما / هما ایرانی بهبهانی / کاوه بذرافکن

▣ میراث معماری اسلامی در ادراک سیاحان خارجی قرون یازدهم تا سیزدهم ه.ق.  
مطالعه موردی: تحلیل کیفیت بقای کالبدی مسجد کبود بر مبنای بازخوانی مستندات تاریخی  
محمدباقر کبیرصابر / مهناز پیروی

▣ تزئینات اجرکاری سلجوقیان و تداوم آن در تزئینات دوران خوارزمشاهی و ایلخانی  
عاطفه شکفته / حسین احمدی / امید عودباشی

▣ واکاوی تحلیلی معنای کاربردی چهارباغ در کتاب‌ها و نوشته‌های سده هشتم تا یازدهم هجری  
محمد مسعود / احمد امین پور / حمید آقاشریفیان اصفهانی



**مدیر مسئول:** معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران

**سر دبیر:** مهندس عبدالحمید نقره کار

**مدیر داخلی:** دکتر محمد منان رئیسی

**ویراستار ادبی فارسی:** سارا متولی، محمد نقی تسکین دوست

**ویراستار ادبی انگلیسی:** بشری عباسی

**کارشناس مجله:** مهندس امیرحسین یوسفی

### هیأت تحریریه:

دکتر سید غلامرضا اسلامی: دانشیار دانشگاه تهران

دکتر حسن بلخاری: دانشیار دانشگاه تهران

دکتر مصطفی بهزادفر: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمد رضا پورجعفر: استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر مهدی حمزه نژاد: استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر اسماعیل شیعه: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر منوچهر طیبیان: استاد دانشگاه تهران

دکتر محسن فیضی: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر حمید ماجدی: دانشیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر اصغر محمد مرادی: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر غلامحسین معماریان: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر فاطمه مهدیزاده: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمدنقی زاده: استادیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر علی یاران: دانشیار وزارت علوم تحقیقات، فناوری

**طراح جلد و صفحه آرا:** مهندس امیرحسین یوسفی

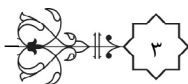
قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

### لیست داوران این شماره:

دکتر بهمن ادیب زاده: دانشیار دانشگاه شهید بهشتی  
دکتر علی اسدپور: مدرس دانشگاه هنر شیراز  
دکتر امیراحمد امینیان: استادیار دانشگاه امام رضا (ع)  
دکتر محمدرضا پورجعفر: استاد دانشگاه تربیت مدرس  
دکتر سعیدعلی تاجر: استادیار دانشگاه بوعلی همدان  
دکتر محمدحسین ذاکری: استادیار دانشگاه شیراز  
دکتر لیلا رحیمی: استادیار دانشگاه تبریز  
دکتر محمدمنان رئیسی: استادیار دانشگاه علم و صنعت  
دکتر آزاده شاهچراغی: استادیار دانشگاه علوم و تحقیقات  
دکتر مهران علی الحسابی: استادیار دانشگاه علم و صنعت  
دکتر علیرضا عندلپ: دانشیار دانشگاه امام حسین (ع)  
دکتر محمود قلعه نویی: استادیار دانشگاه هنر اصفهان  
دکتر محمدباقر کبیرصابر: استادیار دانشگاه تهران  
دکتر قاسم مطلبی: استادیار دانشگاه تهران  
دکتر غلامحسین معماریان: استاد دانشگاه علم و صنعت  
دکتر سیدرسول موسوی حاجی: دانشیار دانشگاه مازندران  
دکتر صلاح الدین مولانایی: استادیار دانشگاه کردستان  
دکتر مسعود ناری قمی: مدرس دانشگاه کاشان  
دکتر بهزاد وثیق: استادیار دانشگاه صنعتی جندی شاپور  
دکتر پریسا هاشم پور: استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز

نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی بر اساس مجوز کمیسیون نشریات وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شماره ۱۳۷۲۰۶/۳۱۸ مورخ ۹۳/۷/۲۸ از شماره نخست دارای اعتبار علمی پژوهشی می باشد.

این مجله در پایگاه های (SID) و (ISC) نمایه می شود و برنامه هایی در دست است که مجله در پایگاه (ISI) نیز نمایه شود.



## بررسی تطبیقی هنجارهای ریخت‌شناسی شهرسازی اسلامی در بافت تاریخی، (مورد کاوی: محله سرچشمه شهر گرگان)



مصطفی بهزادفر\*

استاد شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

نوشین رضوانی\*\*

دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۹/۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۳/۳۰

### چکیده:

علی رغم وجود پایه‌های غنی فرهنگی، تاریخی و فناورانه در معماری و شهرسازی ایران، شرایط امروزی مبین ضعف، ناکارائی، از خود بیگانگی و بحران هویتی است. عدم وجود یک الگوی شیوه‌مند برای پیاده‌سازی خواسته‌های دلسوزانه نسبت به رویکردهای شهرسازی اسلامی از مهم‌ترین مسائل امروزی است. این مسأله در بازسازی بافت‌های تاریخی شهری نمود ویژه‌ای پیدا می‌کند. مشکلات یاد شده به طور خاص با تکیه بر نمایانگر ریخت‌شناسی، مشهودتر است. به عبارت دیگر تضادهای حاصله در ریخت‌سنتی و موجود بافت‌های تاریخی در شهرهای ایرانی-اسلامی، از دیدگاه کیفیات محیطی مرتبط، پایگاه چالش‌های طراحان‌ای هستند که می‌باید مورد توجه قرار گیرند. در این مقاله با هدف شناسایی هنجارهای ریخت‌شناسی از منظر اسلامی، ضمن تعریف شهر اسلامی، عناصر و مؤلفه‌های آن، به مقایسه بافت تاریخی شهر گرگان با شهرهای ایرانی-اسلامی کهن پرداخته شده است. با عنایت به لزوم کاربست میراث شهرسازی اسلامی در شهرهای امروز، هدف از طرح این پژوهش، رسیدن به یک الگوی واحد نمی‌باشد؛ بلکه مقصود این است که بتوان از این معیارها به فراخور گونه‌های ارزشی و متناسب با مقطع زمانی در هر شهری استفاده نمود. مقاله‌ی حاضر در تلاش است تا به این پرسش پاسخ بدهد که چگونه و با چه معیارهایی می‌توان بافت تاریخی محله سرچشمه شهر گرگان را برای رسیدن به الگوی ایرانی-اسلامی ارزیابی کرد؟ آیا ساختار ریخت‌شناسی این محله از نظام شهرهای اسلامی پیروی می‌نماید؟ این پژوهش با رویکردی تطبیقی، حاصل مشاهدات و برداشت‌های مکرر و فراوان از بافت تاریخی محله سرچشمه شهر گرگان و تحلیل آن، و همچنین تطبیق دیدگاه صاحب‌نظران است. الگوی مفهومی مقاله پیش رو بر اساس روش تحقیق کیفی و با تکیه بر شیوه‌های برداشت مصاحبه عمیق، مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی بوده است. شیوه‌ی استنباط از برداشت‌ها تحلیل محتوا است. نتایج تحقیق حکایت از آن دارد که هنجارهای ریخت‌شناسی حاصل از دیدگاه نظریه‌پردازان مختلفی چون توسلی، نقره‌کار و نقی‌زاده بطور مشخص در محله سرچشمه بازتاب نموده است و ریخت‌شناسی بافت تاریخی شهر گرگان از الگوی اسلامی تبعیت می‌کند. بنابراین تغییرات گسترده در ساختار ایرانی-اسلامی این شهر، وجود نداشته است. اما مداخلات کالبدی گسترده که طی چند دهه اخیر صورت گرفته است؛ خطر اضمحلال ساختار ریخت‌شناسی بافت را در پی دارد.

واژه های کلیدی: شهر اسلامی، مرمت شهری، ریخت‌شناسی، شهر گرگان، محله سرچشمه.



## مقدمه

با توجه به تأثیر متقابلی که دین اسلام و پدیده شهر بر یکدیگر دارند؛ ضرورت مطالعه شهرهای اسلامی غیر قابل انکار است. درحالیکه شهرهای اسلامی به عنوان کالبدهایی هستند که می‌توانند سنت‌های گذشته را به دنیای امروزین بسپارند؛ عدم وجود یک الگوی شیوه مند برای تبیین ویژگی‌های شهرسازی اسلامی رسیدن به این هدف را سخت می‌نماید. در واقع بافت‌های تاریخی، بخشی از شهرهای امروزی هستند که با اندکی تأمل در تار و پود کالبدهای نیمه جان‌شان می‌توان به ردپای الگوهای اسلامی که برجای مانده از شهرسازی کهن هستند؛ پی برد. اما هر واقعیت تاریخی برای آنکه بتواند بر محیط زندگی امروز نقشی برجسته و فراتر از یک شیء موزه ای را ایفا نماید؛ باید در محیطی پویا و فعال قرار گیرد. لذا هدف از این نوشتار، استخراج ویژگی‌های تاریخ‌مدار معماری و شهرسازی از بافت‌های کهن شهری با تکیه بر نمایانگر ریخت می‌باشد. از آنجا که میدان مطالعه، قلمروهای کهن تاریخی می‌باشد؛ تأکید بر موضوعات شناخت‌شناسی مؤثر بر تحلیل این بافت‌ها متضمن مباحث مرمت، احیا و باززنده‌سازی چنین بافت‌هایی است. در این ارتباط با اتخاذ راهبرد موردکاوی، بافت تاریخی شهر گرگان برای مطالعات موردی انتخاب شده است. بافت قدیمی یاد شده که از اهمیت زیادی در تطور تاریخی شهر گرگان برخوردار است؛ در دوره قاجار مورد توجهات ویژه‌ای قرار گرفته است. لذا آثار مهمی از این دوره در حوزه موردکاوی ذکر شده وجود دارد که میراث معماری و شهرسازی سده های معاصر می‌باشد. در روش پژوهش، مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای جهت تکمیل ادبیات موضوع و سپس مطالعات میدانی و مصاحبه عمیق در بافت تاریخی محله سرچشمه گرگان این فرآیند را تکمیل می‌کند. نتایج مقاله بیان می‌دارد که شهر گرگان را می‌توان از جمله شهرهای سرآمدی در ایران دانست که از گذشته بر پایه اصول و نظام ریخت ایرانی-اسلامی شکل گرفته‌است؛ اما با روی کار آمدن پهلوی و مدرنیسم رضاخانی، به تدریج این اصول کمرنگ شد تا دوره کنونی که به تغییر بسیاری از محلات قدیمی شهر منجر شد. محله

سرچشمه نیز از جمله محلات تاریخی شهر گرگان است که تا به امروز ساختار ریخت‌شناسی خود را تا حدی حفظ نموده‌است و می‌تواند نمونه‌ی مناسبی جهت ارائه‌ی یک الگوی اسلامی در شناخت ساختار کالبدی بافت تاریخی شهر گرگان باشد. انتظار می‌رود تحلیل اطلاعات برداشت شده از حوزه موردکاوی، نمودها و نشانه‌های معماری و شهرسازی اسلامی را در حد محدودیات و امکانات این گفتار روشن نماید.

## روش پژوهش

برای استفاده از قواعد، اصول و پارادایم‌های متبلور در چنین بافت‌هایی با روش کیفی و راهبرد موردکاوی به تحقیق پرداخته می‌شود. ازینرو، نخست با بهره‌گیری از مطالعات اسنادی، مبانی نظری مرتبط با مباحث ریخت، شهرسازی ایرانی-اسلامی و مرمت شهری بیان شد. سپس با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، دیدگاه‌های افراد مختلفی از جمله توسلی، نقره‌کار و نقی‌زاده در باب ریخت‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفت. در نتیجه هنجارهایی چون همپیوندی، نفوذپذیری، گوناگونی و وحدت برای ارزیابی قطعات تعریف شدند. در ادامه با استناد به آرای سه نظریه‌پرداز در محله مورد نظر، مطالعه تطبیقی صورت گرفته است. پس از استخراج معیارهای مرتبط، شناخت کیفیات ریخت‌شناختی بوسیله برداشت‌های میدانی و تصاویر گرفته شده از سایت انجام گردید تا این متغیرها تدقیق گردند. همانطور که در چکیده یاد شد؛ تحلیل محتوا تکنیک این پژوهش می‌باشد و نوع پژوهش توسعه‌ای-کاربردی است.

## ۱. پیشینه پژوهش

درحال حاضر، کتب و مقالات متعددی در باب شهرهای اسلامی ارائه شده است که در طول این پژوهش تلاش شده است تا خلاصه‌ای از مفاهیم کاربردی و متناسب با موضوع مقاله مورد استفاده قرار گیرد.

- گزایه پلانول<sup>۱</sup> در مطالعه شهرهای اسلامی، عناصر فضایی این شهرها را مسجد، بازار و حمام عمومی نام برده و آنها را از ویژگی‌های شهر اسلامی قرون وسطایی معرفی کرده است.



(انصاری ۱۳۸۱، ۲۴).

- نقی‌زاده، ویژگی‌های شهرهای اسلامی را دربرگیرنده‌ی یگانگی، بندگی، پارسایی، رهنمودی، یادآوری و اندیشیدن، دادگری، نیک‌خواهی، شکر، پندآموزی، آسایش، مهرورزی و میانه‌روی می‌داند (نقی‌زاده ۱۳۸۵ به نقل از رضایی ۱۳۹۲، ۶).

همچنین عبدالحمید نقره‌کار ارزشمندترین پایه‌های معماری در دوران اسلامی را بر پایه‌ی دادگری، گذر از گوناگونی به یگانگی، گذر از آشکاری به نهانی و رده‌بندی آرمان‌های چندی و چونی می‌داند که در فضاها کالبدی پدیدار می‌شود (نقره‌کار ۱۳۸۷ به نقل از رضایی ۱۳۹۲، ۶).

## ۲. مبانی نظری موضوع

### ۲-۱. زیبایی

زیبایی از آن دسته مفاهیمی است که همه مکاتب فکری به آن توجه جدی مبذول داشته و در پی ارائه تعریفی از آن بوده و همچنین مدعی شناختن پارامترهای مختلف آن می‌باشند. با استناد به حدیث معروف «ان الله جمیل و یحب جمال» مسلمین نیز همواره در فرآیند خلق آثار، سعی در زیباآفرینی داشته‌اند. با عنایت به این موضوع، نکته قابل توجه این است که باید معیارهای مراتب مختلف زیبایی، در دسترس و مورد شناخت طراحان، برنامه‌ریزان، مدیران و اهل شهر باشند تا امکان ارزیابی زیبایی و تعیین مرتبه آن و همچنین شناسایی ساحتی از حیات انسان که زیبایی مرتبط با آن است؛ وجود داشته باشد (نقی‌زاده ۱۳۸۹، ۵۸). برای ظهور زیبایی در شهر و فضای شهری، توجه به اصولی که در زیبایی‌شناسی مطرح هستند؛ از قبیل هماهنگی، ریتم، توازن، تعادل و امثالهم ضرورت دارد. در صورتیکه برآیند کیفیات ریخت و زیبایی از دیدگاه اسلامی در محله سرچشمه‌گران مطابق با دیدگاه سه نظریه‌پرداز باشد؛ به این نتیجه می‌رسیم که محله مورد نظر اسلامی - ایرانی است.

- جی وان گرنباوم<sup>۲</sup> تاریخ اجتماعی شهر اسلامی را به عنوان ساختار سلسله‌مراتبی فضای خصوصی و عمومی و فعالیت‌های مذهبی و بازرگانی تبیین کرد.

- عادل ای اسماعیل<sup>۳</sup>، حیاط خانه را به‌عنوان واقعیت فضایی عرب معرفی کرده و ماهیت اولیه این نوع از واحدهای مسکونی را نادیده گرفته‌است.

این نویسندگان، تعریف شهر اسلامی را در مفهوم صحیحش رد کرده‌اند. بخشی از دیدگاه‌های گرنباوم و دیپلانول از این جنبه خطرناک است که ممکن است تفسیر آنها تنوع فرهنگی موجود در شهرهای مختلف اسلامی را مشخص نکند. علاوه بر اینکه آنها مشارکت مذهب و اسلام با شهر را نادیده می‌انگارند (کاها<sup>۴</sup> ۱۹۹۷، ۷).

- بابر جانسون<sup>۵</sup> (۱۹۸۱) و بسیم سلیم حکیم<sup>۶</sup> (۱۹۸۶)، وابستگی قانون اسلامی و روال را با شکل شهر بررسی کردند. حکیم بخش‌های خانه را چهار بخش بنیادی می‌داند؛ ورودی، سرا، اتاق و فضای کمکی. در پژوهش‌های نمونه‌ای حکیم در تونس، وی اندازه‌ی جاگیری و میزان پوشش زمین با این چهار بخش را کمابیش به دست می‌آورد (حکیم ۱۹۶۸، ۱۱۴-۱۲۴).

در داخل کشور هم افراد زیادی در مورد شهرهای اسلامی مقاله‌ها و کتاب‌هایی نوشته‌اند.

- حمیدرضا میرمحمدی در مقاله‌ی خود سیما و بافت شهرهای اسلامی را مورد مطالعه قرار داد. او در این مقاله به این نتیجه رسید که شهرهای اسلامی عناصر اسلامی زیادی نظیر سقاخانه داشتند و برنامه‌ریزی‌های زیادی مانند تعریف موقوفات مختلف برای حفظ آنها انجام می‌دادند. اما واقعیت آن است که در اکثر کشورهای اسلامی و نیز ایران، حداقل در نیم‌قرن اخیر چنانکه باید به حفظ و پاسداری و نمایان نمودن ارزشهای به‌جای‌مانده‌ی فرهنگی-مذهبی در شهرها توجه نگردیده‌است (میرمحمدی ۱۳۷۵، ۲۲).

- ابراهیم انصاری نیز جایگاه اجتماعی محله را در شهرهای اسلامی با تأکید بر اصفهان مورد مطالعه قرار داد. به عقیده‌ی او محله در شهرهای اسلامی، دارای سه کارکرد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود و این کارکردها و فعالیت‌ها بود که موجب می‌شد تا هم‌محله‌ای بودن ارزش محسوب شود



نمودار ۱. مراحل رسیدن به نمایانگر ریخت‌شناسی؛ (مأخذ: نگارندگان)

## ۲-۲. بعد ریخت‌شناسی

مطالعات گونه‌ی ریخت‌شناسانه، ساختار فیزیکی و فضایی شهرها را آشکار می‌سازند. این مطالعات هم‌گونه‌شناسانه‌اند و هم ریخت‌شناسانه؛ چراکه فرم شهری (مورفولوژی) را بر اساس طبقه‌بندی تفصیلی ساختمان‌ها و فضاهای باز با توجه به گونه‌ها (تیپولوژی) توضیح می‌دهند (مودون<sup>۷</sup> ۱۹۹۴، ۲۸). از نظر کرمونا<sup>۸</sup>، ریخت‌شناسی شهری به معنای مطالعه فرم و شکل سکونتگاه‌ها می‌باشد. درک ریخت‌شناسی به طراحان شهری این کمک را می‌کند تا از گونه‌های توسعه مدل‌های بومی و محلی و نیز فرآیندهای تحول‌زا آگاه گردند. کار اصلی در این خصوص بر آنالیز سیر تکاملی و تغییر در فضای شهری سنتی، متمرکز می‌گردد (کرومونا ۲۰۰۶، ۶۱). شولتز<sup>۹</sup>، مورفولوژی شهری را چگونگی برپایی، برافراشتگی و گشوده شدن عناصر سکونتگاهی تحلیل می‌کند. واژه برپایی، رابطه با زمین و واژه برافراشتگی رابطه با آسمان را معرفی می‌کند. واژه گشوده شدن نیز به معنی تعامل فضایی با محیط یا همان رابطه درون و برون است (شولتز ۱۹۷۹، ۴۳).

## ۳. شهر اسلامی

هنوز تعریفی کامل از شهر اسلامی و خصوصیات آن ارائه نشده است و لازم است که متفکران، علاقمندان و متخصصان واجد شرایط در تحکیم مبانی نظری و ارائه

تعریفی جامع و مانع در این موضوع اهتمام ورزند (غنی‌زاده ۱۳۸۵، ۴). از نظر نقی‌زاده شهر اسلامی فرآیندی است که درحال تحول بوده و همواره خویش را با نیازهای زمان، مکان، اهل خود و البته با استناد به اصول اسلامی وفق خواهد داد. به عبارت دیگر، شهراسلامی ماهیتی است بالقوه که می‌تواند درهر زمان و مکانی با توجه به فنآوری، مصالح، دانش، هنر و فرهنگ بومی تفسیر و تجلی خاص خویش را داشته باشد (نقی‌زاده ۱۳۸۵، ۸۱).

## ۳-۱. ویژگی‌های شهر اسلامی

درالگوی شهر اسلامی عامل مسلط دین اسلام است و به طور حتم تمام شاخص‌ها و عناصر زندگی اجتماعی و کالبدی شهر بر اساس این عامل، نظام و هویت می‌یابد (ایازی ۱۳۸۷، ۱۰۲). در واقع طرح شهر اسلامی که در محدوده سنت و توسط مردم دست‌اندرکار در معماری مستمر آن شکل گرفته، به صراحت جلوه‌گر مجموع کوشش‌های خلاقانه و هنر افراد در این قرارگاه‌هاست (بورکهارت<sup>۱۰</sup> ۲۰۰۹، ۱۹۱). حبیبی در کتاب از شار تا شهر، بیان می‌دارد: «در شهر اسلامی، کهنه‌تر و دارالحکومه، بازار، مساجد، مدارس و محلات، همگی تجسمی از نظام حکومت، اصناف، اجتماعات مذهبی و امت هستند. مرمت شهری در این دوره به عنوان یکی از ارکان پویایی شهر، متداوم است. مردم خود برحسب ضرورت و نیاز به این امر مبادرت می‌ورزند و متولیان و مدیران شهر همگی در راستای این

منظور ایجاد محدوده‌های متمایز فضای عمومی و نظام رفت و آمد، به فضاهای بین خانه‌ها و محل‌های استفاده همچون مغازه‌ها و حجره‌ها محدود می‌شود (گالاتنای ۱۵، ۱۹۸۶، ۳۱-۶۴). در حالی که ترکیب اجتماعی شهر ایرانی هماهنگ با نیازهای اسلامی است؛ مورفولوژی طبیعی آن تا حدود زیادی پاسخ منطقی فرهنگ به محیط طبیعی به ویژه توپوگرافی و اقلیم فلات ایران است. برای مثال به خاطر هماهنگی عملکرد حیات با حواجی اسلامی، سیستم حیات برای مسکن موجود در بیشتر شهرهای مسلمان نشین به عنوان الگوی غالب باقی مانده است (خیرآبادی ۱۳۷۶، ۲۱). تأکید بر حفظ حرمت خانواده یکی از عوامل بسیار مهمی بود که سبب درون‌گرایی محله‌های مسکونی شد (سلطان‌زاده ۱۳۷۲، ۳۶-۳۳). رعایت اصل درون‌گرایی در بناها که تحت تأثیر عوامل متعدد از جمله اقلیم، جغرافیا و امنیت بود؛ به سبب انطباق با اصل حرمت خانواده در اسلام مورد تأیید و تشویق قرار گرفت و کاربرد این اصل در عموم فضاهای معماری و شهری در پیدایش بافت‌های متراکم و پیوسته شهری در بافت‌های تاریخی مؤثر بوده است (خیرآبادی ۱۳۷۶، ۴۱-۵۱). در شهرهای اسلامی، وجود مسجد جامع و مراکز مذهبی به عنوان کانون‌های تجمع بافت‌های شهری محسوب می‌شود. برای مثال، مرکز محله درب نو مرکب از عناصر تکیه، مسجد، مدرسه علمیه، حمام و چند دکان هنوز از جذبه خاصی برخوردار است. میانچه وسط که برخی از این عناصر دور آن حلقه زده اند؛ علی‌رغم نظم غیرهندسی به عنوان یک نمونه میدان در این شهر و در اقلیم شمال کشور از نظر شکل و ترکیب بدنه محصورکننده قابل توجه است (توسلی ۱۳۷۶، ۳۷). گذشته از بافت مسکونی فشرده، مجموعه‌های بزرگ تجاری، خدماتی و مذهبی نیز به صورت فشرده و همگن ایجاد می‌شدند و اغلب یک درون پیوسته را تشکیل می‌دادند (افشارنادری ۱۳۷۵، ۴۴-۵۳).

#### ۴. باززنده‌سازی

باززنده‌سازی شهری به منظور بازگرداندن زندگی دوباره به جوامع و اقتصاد شهری و همچنین بهبود بخشیدن به اراضی فرسوده و فعالیت‌های نا کارآمد جاری در آن و ایجاد

پویایی گام بر می‌دارند» (حبیبی ۱۳۸۷، ۱۴۱). به طور کلی با وجود تفاوت‌های مختلفی که میان شهرهای سنتی مسلمانان وجود دارد؛ می‌توان دو عامل بافت و ساخت شهر را از نقاط مشترک ویژگی‌های کالبدی فضایی شهرهای اسلامی به شمار آورد که در بردارنده‌ی پیچیدگی ظاهری و درونی شهرهای اسلامی است (بن‌هاوشه<sup>۱۱</sup> ۲۰۰۹، ۲۳). در شهرهای اسلامی، مسجد به عنوان عنصری جدید به ساختار آن‌ها اضافه شد. طبق اسناد تاریخی، اولین دولت اسلامی در مسجد بنا شد. بنابراین ظهور مسجد یکی از ویژگی‌های مهم شهرهای اسلامی است (رایموند<sup>۱۲</sup> ۱۹۸۴). متخصصان این زمینه برخی اصول حاکم بر شهرهای اسلامی را دادگستری (ابولقود<sup>۱۳</sup> ۱۹۸۷، ۱۵)، یگانگی (بورکهارت ۲۰۰۹، ۲۰۳)، پرمایگی (ابولقود ۱۹۸۷، ۱۶۹) و سازش‌پذیری (کازرونی<sup>۱۴</sup> ۲۰۰۹، ۴) می‌دانند.

#### ۲-۳. بررسی ریخت‌شناسی شهرهای اسلامی

شاید در اولین نگاه، شهر سنتی اسلامی به صورت پیچ و خمی از کوچه‌های درهم پیچیده شده جلوه می‌کند. در نمایی از بالا، شهر خود را به شکل بلوری نمایش می‌دهد با مکعب‌ها و منشورهایی که در واقع اجتماع خانه‌هایی است که پهلو به پهلو هم قرار گرفته‌اند، با فضاهای بریده‌بریده شده، آمد و شده‌های زندگی روزمره، مسیرهای درهم پیچیده و راه‌های گره خورده‌ای که به نظر می‌رسد به هیچ جا ختم نمی‌شوند (بمات ۱۳۶۹، ۸۷). به گفته مقدسی کوچه‌های شیراز به قدری تنگ بوده است که دو یا چهار پا با هم نمی‌توانستند از آن عبور کنند (مقدسی ۱۳۶۱، ۶۴۰). در بافت قدیم تهران، گذرها باریک، پیچ در پیچ و ساختمان‌ها دارای پیشرفتگی‌هایی به فضای گذر بودند تا هر چه بیشتر سایه ایجاد کنند. جهت‌گیری خانه‌ها و متعاقب آن الگوی خیابان‌کشی تا حدی از منطق زیست‌محیطی برخوردار است (شکویی ۱۳۶۵، ۱۹۱-۲۰۴). خیابان‌ها و کوچه‌ها تا جلوی درب ورودی خانه‌ها ادامه می‌یافت؛ اما هیچ تصویری از ماهیت یا ابعاد محله به دست نمی‌داد (لئوناردو بنه‌ولو ۱۳۶۹). حقیقت آن است که روستاها، شهرک‌ها و شهرهای اسلامی به ندرت با تقارن هندسی طراحی شهری مطابقت داشت (پیتر بریج ۱۳۷۹، ۱۵). ساختار شهر اسلامی به

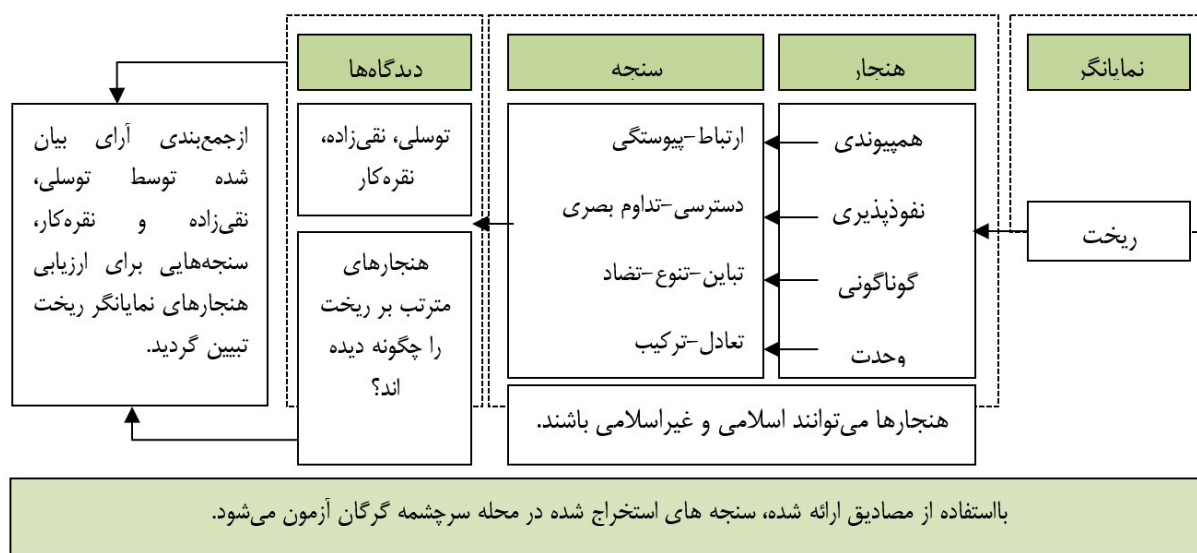


اصل، بلکه وظیفه است و موضوعی مهم در هر گونه از مداخلات در بافت‌های تاریخی شهری می‌باشد؛ لذا به بررسی کیفیت‌های ریخت‌شناسی در حوزه‌های تاریخی شهری با تبیین دیدگاه‌های نظری حاکم بر موضوع ریخت‌شناسی می‌پردازیم. در این راستا، منابع مرتبط با ریخت‌شناسی شهری مطالعه شده و کیفیت‌های محیطی این بعد از دیدگاه سه نظریه‌پرداز استخراج شده است. ابتدا کیفیات ریخت‌شناختی مورد نظر از آرای توسلی اتخاذ شده و سپس با نگاهی اسلامی جایگاه تئوریک این موضوع از دیدگاه نقره‌کار و نقی‌زاده تبیین می‌شود. پس از استخراج معیارهای مرتبط، با توجه به اهمیت و تکرار هر کیفیت، اولویت‌بندی و امتیازدهی شده است تا بتوان در نهایت تفسیری جامع از مصادیق کیفیات ریختی ارائه نمود.

فرصت‌های نوین و محیط زیست بهتر برای نسل‌های بعدی انجام می‌گیرد (لی ۱۶ و هی ۱۷، ۲۰۰۷، ۱۴۸-۱۴۹). «پیتر رابرتز» ۱۸ در کتاب راهنمایی در زمینه باززنده‌سازی شهری، باززنده‌سازی شهری را اینگونه تعریف می‌کند: «چشم‌انداز و در پی آن اقدام یکپارچه و جامعی که به حل مشکلات شهری انجامیده و می‌کوشد بهبود مستمر و پایداری را در شرایط زیست‌محیطی، اجتماعی، کالبدی و اقتصادی بخش‌های تغییر یافته یا در آستانه تغییر شهر به ارمغان آورد (رابرتز ۲۰۰۰، ۱۷).

## ۵. کیفیات ریخت‌شناسی محیط از دیدگاه اندیشمندان

حفظ و پایداری مورفولوژی بافت‌های باارزش نه تنها یک



نمودار ۲. بررسی تطبیقی زیرهنجارهای برآمده از آرای اندیشمندان در محله مورد نظر؛ (مأخذ: نگارندگان)

هنجار	سنجه / دیدگاه	توسلی	نقی‌زاده	نقره‌کار
همپیوندی	ارتباط	در شهرهای تاریخی ایران، ارتباط، شکلی خواناتر به خود گرفته و بر پیوند روشن‌تر مرکز شهر و مراکز محلات از طریق گذرهای اصلی به مثابه عناصر پیونددهنده، استوار شده است. این ویژگی نه تنها در کل ساخت شهر، بلکه در اجزاء آن یعنی مراکز محلات نیز آشکار است.		در شهر اسلامی هریک از کالبدها، صادقانه عملکرد خود را بیان و در سلسله مراتب وحدت‌بخش با سایر کالبدها ارتباط حیرت‌انگیزی دارند. خانه‌ها، از جهت ارتفاع، حجم، مواد، مصالح و تزئینات خارجی نمادی مرتبط و متعادل و متناسب دارند.





<p>جهان در عین تکثر و تنوع ظاهری، دارای وحدتی باطنی است. فضای مصنوع در جهت هماهنگی با این نظام، باید حکیمانه سامان گیرد. پیوستگی در این نظام طولی و کثرت پذیری آن عرضی است.</p>	<p>پیوستگی را می توان یکی از تجلیات کالبدی اصل «وحدت» دانست. پیوستگی، به وجود ارتباطی قانونمند و منظم بین عناصر یک مجموعه شهری اشاره دارد که حاصل آن ظهور وحدت بصری و معنایی است.</p>	<p>در شهرهای قدیمی ایران، واحدهای مسکونی با حیاط مرکزی به یکدیگر پیوسته اند. سازمان کالبدی شهرهای قدیمی ایران بر پیوند فضایی میان عناصر مجموعه ۱. مرکز شهر، ۲. مراکز محلات، ۳. گذرهای اصلی و ۴. میدان استوار است.</p>	<p>پیوستگی</p>
<p>راهها، هماهنگ با خطوط شیب زمین و جاری نهرها، هندسه ای موج می یابند و نقاط دیدنی گوناگون را در نظر می آورند و از ایجاد قرینه سازی و نظم بر حول یک محور و ایجاد دورنمای یک نقطه ای در طول مسیر می پرهیزند.</p>	<p>تأمین دسترسی، صرفاً به معنای ایجاد امکان حرکت برای رسیدن به مکان های مورد نیاز شهروندان نیست؛ بلکه در دسترس بودن، مکان یابی هماهنگ کاربری های شهری و مورد نیاز اهل شهر، یکی از اصلی ترین مصادیق وجود «دسترسی مناسب» در شهر است.</p>	<p>طراحی شبکه شهری و دسترسی در بخش های قدیمی و مسکونی در گسترش های پیشنهادی در شهرهای ایران، درحالی که باید از نظر اندازه ها، حرکت سواره را پاسخگو باشد؛ لازم است که با مقیاس کالبدی شهر و فضاهای آن نیز هماهنگی داشته باشد.</p>	<p>نفوذپذیری دسترسی</p>
	<p>یکی از تجلیات وحدت در شهر، مداومت زیبایی در همه فضاهاست. از آنجا که گیاه با رشد خویش باعث تغییر تناسبات در فضای شهر می شود؛ طراح باید با ملحوظ داشتن این تغییرات، نسبت به زیبایی شهر تمهیداتی را بیاندیشد.</p>	<p>نمای ساختمان ها باید در محصور کردن فضاها نقش مؤثری داشته باشند. وجود فواصل متعدد بین بدنه ی ساختمان ها، اختلاف فاحش بین نماها و تغییرات ناگهانی در لبه قرنیز ساختمان ها باعث تضعیف تداوم بصری می گردد.</p>	<p>تداوم بصری</p>
	<p>تباين و تضاد از معیارهایی هستند که امروزه به انحای مختلف و به منظور رفع یکنواختی و کسالت جاری در شهرها و به منظور ایجاد فضاهای متنوع، کاربرد دارند.</p>	<p>فضاهای متباين فضاهایی هستند که از نظر عرض و طول و ارتفاع و عناصر محصورکننده با یکدیگر تفاوت دارند. ارزش فضاهای متباين در این است که از یکنواختی فضاهای ارتباط دهنده می کاهد.</p>	<p>تباين</p>
	<p>بی گمان جملگی انسان ها، با عنایت به حس تنوع طلبی و مخالفتشان با یکنواختی، از پدیده ها و موضوعات و آرای نو استقبال می کنند. می توان ضمن تنوع بخشیدن به فضا در صورت لزوم، از تخریب ها، دوباره سازی ها و اسراف ها پیشگیری نمود.</p>	<p>حالت خطی خیابان های محلی را می توان با شکستن فضای خالی یکنواخت به چند فضای تنگ و گشاد به صورت پویا و ایستا، با ترکیب بدنه های متفاوت اما هماهنگ تعدیل نمود. این امر در واقع کاهش دادن درازی و ایجاد تنوعی در فضا است که آن را از نظر بصری جالب می کند.</p>	<p>تنوع</p>



<p>وحدت</p>	<p>تعادل</p>	<p>تعادل در بدنه‌ی فضاهاى شهری عبارت است از هم‌تراز یا مساوی کردن وزن‌های بصری در نما. برای دستیابی به آرامش بصری در نما، تمام نیروهای بصری در یک نما باید یکدیگر را خنثی کنند.</p>	<p>اهمیت تعادل در طراحی یک شهر و عناصر آن به حدی است که نه تنها رعایت آن در تنظیم روابط اجزای شهر ضروری قلمداد می‌شود؛ بلکه فراتر از آن، ایجاد تعادل بین قوانین حاکم بر آنها نیز از ضروریات توفیق در اهداف خلق شهر تلقی می‌گردد.</p>
<p>ترکیب</p>	<p>تعادل</p>	<p>در صورتیکه بناهای مختلفی با هم ترکیب شوند و فضایی را محصور کنند؛ لازم است مابین این بناها آنچنان هماهنگی از نظر وحدت شکل برقرار باشد که بدنه محصورکننده علی‌رغم تشکل از ساختمان‌های مختلف، صورتی پیوسته پیدا کند. در این صورت به جای کلمه ساختمان‌های مختلف می‌توان کلمه واحدهای هماهنگ و همانند را بکار برد (توسلی ۱۳۶۷).</p>	<p>«وحدت شهر» عاملی در جهت ایجاد حس زیبایی در ادراکات بصری انسان بوده و در مقوله زیبایی‌شناسی از اهمیت خاصی بهره‌مند است. وحدتی که طراح در کالبد یک شهر، متجلی می‌سازد؛ می‌تواند به نمایشی از وحدت جامعه منجر شده یا به عنوان موجد وحدت جامعه عمل کند و از آنجا تجلی‌گاه وحدت الهی گردد (نقی زاده ۱۳۸۷).</p>

جدول ۱. کیفیات بصری محیط از دیدگاه اندیشمندان؛ (مأخذ: نگارندگان)

## ۶. بررسی نمونه موردی

مجموعه‌ای که به‌عنوان بافت قدیم گرگان شناخته شده است؛ محصول شکل‌گیری پیوسته و مداوم از دوره‌ی اسلامی و طی قرن‌ها می‌باشد که به‌صورت ارگانیک و درون‌زا رشد کرده است. در این بافت، بخش مسکونی بیشترین سهم را در اسکان جمعیت داشته که این خود موجب فعال بودن بخشهای خدماتی در بافت قدیم بوده است. سازمان فضائی اولیه‌ی شهر دارای الگوی ستاره‌ای ارگانیک با نقطه کانونی مسجد جامع و میدان مجاور آن می‌باشد و محلات مسکونی در امتداد و شریان‌های اصلی هسته‌ی مرکزی شکل گرفته‌اند. پیوندهای اجتماعی نظیر ویژگی‌های تباری یک قوم، همبستگی افراد محله را تأمین نموده و عناصر عملکردی کالبدی ویژه شامل خدمات محله‌ای، حمام و تأسیسات مذهبی (حسینیه و تکیه) استقلال و هویت کالبدی محلات را تعریف نموده‌اند (حاجی عیدی ۱۳۹۲، ۱۱۷).

## ۶-۱. معرفی محدوده مورد مطالعه

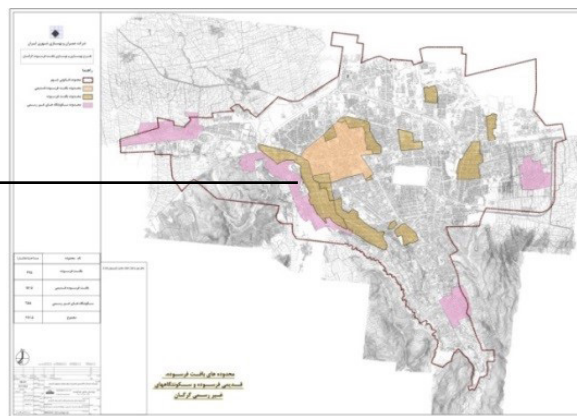
محله سرچشمه نام یکی از محلات قدیمی و تاریخی استرآباد یا گرگان امروزی است. موقعیت مکانی این محله قدیمی، حدفاصل میدان شهرداری و چهارراه میدان می‌باشد. همچنین بازار و محله نعلبندان در کنار این محله قرار گرفته است. مرکز محله سرچشمه برخلاف سایر محلات شهر استرآباد (بافت قدیم امروزی گرگان) میدانگاهی است با پلانی نامنظم که در جبهه شمالی آن مصلی قرار گرفته است. این محله دارای بناهای تاریخی و قدیمی بسیاری است و عناصر استرآباد قدیم در کوچه و بناهای آن به‌وفور یافت می‌شود. از مکان‌های مهم قدیمی که همچنان امروزه مورد استفاده هستند می‌توان به امامزاده نور، مسجد، تکیه، گورستان و خانه‌های تاریخی حاوی تاریخ دوران قاجار و مشروطه از جمله خانه باقری‌ها و منزل شیخ محمدباقرفاضل اشاره نمود. گذرهای بن‌بست



را فضای پر اشغال کرده است. درصد فضای ساخته شده در قطعات کوچک تر، بیشتر است. همچنین مساحت حیاط مرکزی که باقیمانده ی فضای ساخته شده است در قطعات بزرگ تر، بیشتر است. در مجموع بافت قدیمی محله سرچشمه، فشرده و متراکم است اما پلان بناها به جهت تأمین تهویه ی طبیعی و ایجاد کوران هوا بصورت آزاد طراحی شده است. به منظور جست و جوی شهرسازی اسلامی در بافت این محله از منظر ریخت شناسی، هنجارهای مورد نظر در محله سرچشمه بررسی شده است که در جدول شماره ۲ به اختصار شرح داده شده است.



موجود در محله سرچشمه مانند بن بست موسوم به تقوی و بن بست ریحانی از زیباترین و خاطره انگیزترین کوچه های بافت قدیم گرگان هستند و به واسطه وجود جداره های تاریخی ارزشمند در آنها، میراث مادی و معنوی عظیمی برای ساکنان این شهر به شمار می آیند. چنانچه قطعات بر اساس مکان استقرار دسته بندی شوند؛ گرایش غالب در زمینه ارتباط فضاهای پر و خالی در این بافت، گونه ۳ طرفه و ۲ طرفه L شکل است. به گونه ای که واحدهای معماری درونگرا بوده و در اکثر آنها حیاط از ۲ تا ۳ جبهه بوسیله بناها محصور شده است و حیاط مرکزی ایجاد نموده است. در برخی موارد در بافت کهن تا حدود ۸۰٪ قطعه تفکیکی



نقشه ۲. محدوده محله سرچشمه شهر گرگان، مجموعه های برداشت شده به رنگ مشکی نمایش داده شده اند.

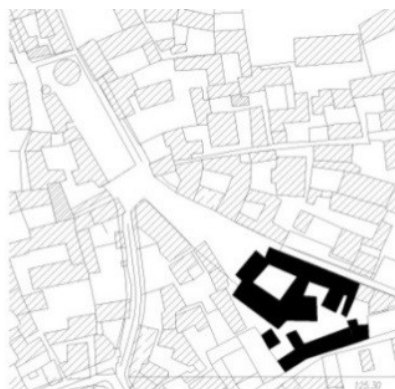
نقشه ۱. محدوده بافت فرسوده و سکونتگاه های غیررسمی شهر گرگان

## ۶-۱-۱. مجموعه باقری

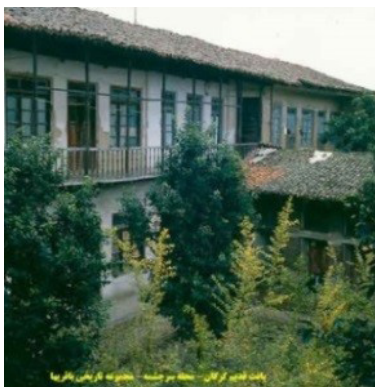
این بنا مربوط به اوایل دوره پهلوی است و در گرگان، محله سرچشمه واقع شده است. خانه از ترکیب متناوب فضاهای باز و بسته و بر اساس نوعی سازماندهی مجموعه ای ساخته شده است که حیاط های تقریباً غیرهندسی و متعدد، در آن نقشی برجسته بازی می کنند. این بنا در وضعیت فعلی دارای ۷ حیاط با اندازه و فرم های گوناگون است. اگرچه در بررسی فضاهای بسته و مسقف بنا (به ویژه وقتی به صورت جزء به جزء در نظر گرفته شوند) هندسه و نظم آشکار در سازماندهی و ترکیب جرزها و بازشوها به چشم می خورد؛ اما در نگاهی کلی به بنا و با در نظر گرفتن

مجموعه فضاهای باز و بسته باهم، نقش این هندسه بسیار کمرنگ می شود و انتظامی خاص به چشم نمی آید. از دیگر نکاتی که در باب معماری این بنا قابل اشاره است؛ همراهی و ترکیب درایتمندانه معماری برونگرا با درونگرایی کلی و غالب بنا است. ای برونگرایی حاصل نوع فرهنگ و روابط اجتماعی مردم منطقه و نیز الزامات محیطی و اقلیمی است. بناهای خانه تقریباً الگوی مستطیل یا دوزنقه دارند و یا از الحاق یک حجم مربعی به بدنه ی اصلی بنا که مستطیل است؛ تشکیل شده است. تناسبات در قسمت های مستطیل شکل ۱ به ۳ در پلان می باشد.





نقشه ۳. موقعیت مجموعه در محله



تصویر ۲. پرسپکتیو خارجی یکی از حیاط

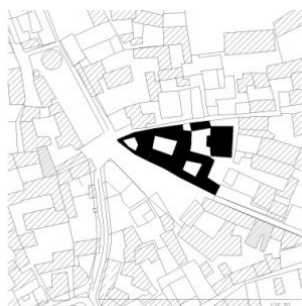


تصویر ۱. حیاط باقری‌ها

### ۶-۱-۲. مجموعه تقوی‌ها

ساخته شده است. حتی ساختمان طرف شرق مجموعه تقوی در میان فضای بازی قرار گرفته است. به طوریکه ساختمان صاحب چهار نما گردیده است. همه‌ی خانه‌ها با وجود ریزدانه بودن قطعات بر لزوم داشتن سبزیگی و حیاط در خانه‌های خود تأکید داشته‌اند و به همین دلیل در تمامی خانه‌ها حیاط به عنوان عنصری جدائی‌ناپذیر وجود دارد. در داخل هر حیاط مجموعه تقوی یک حوض طراحی شده که دسترسی ساکنین آن حیاط را به آب آسان می‌ساخته است. الگوی توده و فضا در این بافت با توجه به حفظ حریم همسایگی و بهره‌گیری از کوران هوا صورت گرفته است و در مجموع منطبق با اصول اقلیمی منطقه می‌باشند.

این مجموعه از بناهای دوره قاجار است. مجموعه‌ی تاریخی تقوی، شامل بیش از ده حیاط اصلی و فرعی بوده که فرم حیاط‌های آن نیز از الگوی مربع، مستطیل و نامنظم تبعیت می‌کند. جهت‌گیری بنا به سمت جنوب غربی و کشیدگی پلان برای بهره‌گیری از باد مطلوب، شرقی- غربی است. نسبت فضاهای خالی به فضاهای پر در این پلاک کمتر است. در مجموع این بنا توانسته است لبه‌ای نسبتاً منسجم را در مجاور معبر ایجاد نماید. پلان ساختمان‌های این مجموعه، گذشته از برخی استثناها، مستطیل یا مربع - یعنی با زاویه ۹۰ درجه - است. در بیشتر موارد، زاویه‌های دیگری غیر از ۹۰ درجه در حیاط وجود دارند. عموماً هر ساختمان مستقل از ساختمان‌های دیگر



نقشه ۴. موقعیت خانه تقوی‌ها در محله



تصویر ۴. نمای خانه تقوی‌ها



تصویر ۳. حیاط خانه تقوی‌ها



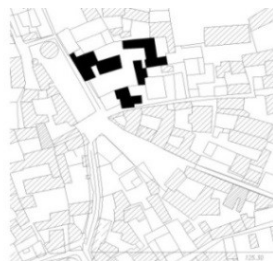




### ۶-۱-۳. خانه شیرنگی

شمالی-جنوبی و شرقی-غربی سامان یافته اند. ویژگی دیگر، جهت‌گیری قطعات است. تمایل غالب را می‌توان جهت شمال به جنوب (جهت قبله) دانست. اگر قطعات با شکل‌های نامتعارف و تعداد اضلاع پرشمار را کنار گذاشته و اشکال قطعات دیگر نیز کمی ساده شوند؛ مشاهده خواهد شد اکثر آنها پلاک‌هایی با شکل ۴ ضلعی هستند که تقریباً الگوی مستطیل یا دوزنقه دارند. حیاط در خانه‌های این بافت عنصری جدائی‌ناپذیر می‌باشد. حیاط‌های غیر هندسی و متعدد در این بناها نقشی برجسته ایفا می‌کنند.

خانه شیرنگی مربوط به دوره‌ی پهلوی است و به صورت یک ساختمان مرکزی در دو طبقه در وسط حیاط و ساختمان‌های جنبی دیگر در اطراف حیاط ساخته شده و دارای دو حوض است. توده از لحاظ ریخت‌شناسی دارای خلل و فرجی است که فرم کلی بنا را غیرهندسی جلوه می‌دهد. از لحاظ توده‌گذاری، توده‌ها در سطح پلاک پراکنده هستند و تشکیل حیاط‌هایی با فرم نامنظم را داده‌اند. نسبت فضاهای خالی به فضاهای پر در این بلوک کمتر می‌باشد. در کل، این بلوک بافتی نیمه‌منتظم دارد و توده‌ها با استقرار



نقشه ۵. موقعیت خانه شیرنگی در محله



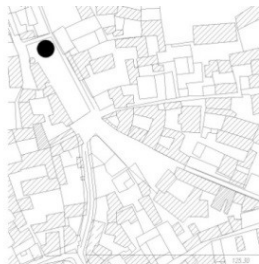
تصویر ۶ حیاط خانه شیرنگی



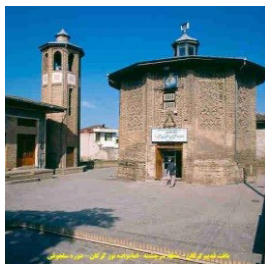
تصویر ۵. نمای خانه شیرنگی

نور و با پلانی نامنظم می‌باشد. در مجموع، بافت اطراف امامزاده که حاوی محصوریت کافی و انسجام در پیوستگی کالبدی جداره‌ها می‌باشد؛ منجر به آن شده است که این مکان به عنوان یک قرارگاه رفتاری فعال در بین ساکنین بافت نقش ببندد.

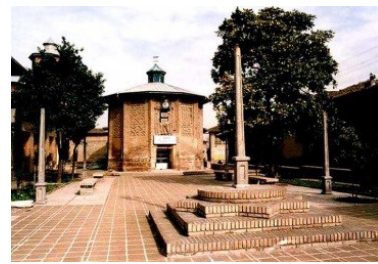
۶-۱-۴. امامزاده نور  
این بنا در بخش مرکزی، در گذر محله سرچشمه واقع شده است. بنای امامزاده نور بنای آجری که شامل دوازده وجه است که از خارج دوازده ترک و از داخل چهارگوشه مربع شکل می‌باشد. حیاط امامزاده معروف به گورستان امامزاده



نقشه ۶. موقعیت امامزاده نور در محله



تصویر ۸. نمای امامزاده نور و مناره تاریخی



تصویر ۷. نمای امامزاده نور

گرگان، با استفاده از چارچوب و مبانی نظری ارائه شده، در ابتدا بافت آن بر اساس مشاهدات میدانی و اسناد موجود بررسی گردید که در جدول ۲ به اختصار ارائه شده است. در ادامه به شکلی متناظر، با در نظر داشتن هنجارهای

### ۷. تحلیل یافته‌ها

بحث درباره ریخت‌شناسی بافت تاریخی شهر گرگان، وابسته به شناخت خصوصیات این بافت است. از این رو، به منظور بررسی و مطالعه مورفولوژی محله سرچشمه شهر





## ریخت شناسی در شهرهای اسلامی و با توجه به دیدگاه متخصصان، بررسی و تحلیل ساختار بافت کالبدی تاریخی شهر گرگان، مورد توجه قرار گرفته است.

جدول ۲. بررسی زیربنجارهای حاصل از دیدگاه های توسلی، نقی زاده و نقره کار در محله سرچشمه گرگان

نمونه	محدوده بافت سرچشمه
ارتباط	<p>از ترکیب فضای میدانگاهی مقابل امامزاده نور با گذرهای پریپچ وخم بافت، در مجموع یک بافت همپیوند شکل یافته است که همگی نشان دهنده ارتباط قوی فعالیت ها در بافت و ترکیب فضائی می باشد. برای نمونه اگر گذری که از خیابان اصلی به داخل بافت امتداد می یابد و از رشته ای فضاهای ایستا و پویا تشکیل شده است را در نظر بگیریم؛ هر فضا با فضاهای مجاور ارتباط منسجمی دارد. در بعضی نقاط ارتباط از نظر تقابل فضاهاست و در نقاط دیگر تفاوت فضاها بر حسب تناسب و ترکیب و مصالح و مانند آن می باشد. در نتیجه در ناظر گیرایی و کشش بصری با حرکت از فضایی به فضای دیگر ایجاد می شود. اصل ارتباط در بناهای داخل بافت نیز قابل مشاهده است. با وجود عناصری مانند ستون، طاق نماها، نرده ها و اجزای تزئینی، ارتباط اشکال، مفهومی نو تر می یابد.</p>  <p>تصویر ۹. امامزاده نور</p>
پیوستگی	<p>بافت کهن از پیوستگی کالبدی کاملی برخوردار است. این پیوستگی عمدتاً نتیجه همجواری دانه های تشکیل دهنده بافت است که در مواردی بلوک هایی با طول و عرض قابل ملاحظه می سازد. در این بافت، انسجام و پیوستگی میان فضاهای شاخص و بناهای تاریخی بارزش، حس پیوستگی را در ناظر به وجود آورده که با حرکت در بافت قابل مشاهده است. پیوستگی بافت در نتیجه ارتباط قوی مراکز محلات و گذرهای اصلی می باشد.</p>  <p>تصویر ۱۰. پیوستگی موجود در بدنه خارجی مجموعه تقوی ها</p>
دسترسی	<p>تقریباً تمامی بافت ارگانیک و نامنظم است. پیچیدگی که در معابر و پلان بناها وجود دارد و حاصل پاسخگویی به نیازهای اقلیمی ساکنان بافت می باشد؛ علاوه بر تأمین امنیت اهالی به ایجاد تنوع و پرهیز از یکنواختی فضاها کمک نموده است. معابر بافت به ۳ دسته کلی تقسیم می شوند: ۱. معابر اصلی با عرض ۴/۵ تا ۶/۵ متر که در مسیر آب شبکه شهر قرار می گرفت. ۲. معابر فرعی با عرض ۳ تا ۴/۵ متر و جهت غالب شرقی غربی که معابر اصلی را به مراکز محلات متصل می نمود. ۳. معابر بن بست با عرض ۱ تا ۲ متر که چندین همسایه را در خود جای می داد.</p>  <p>تصویر ۱۱. نمونه ای از معابر بن بست بافت با عرض ۱ تا ۲ متر</p>  <p>تصویر ۱۲. نمونه ای از معابر فرعی بافت با عرض ۳-۴/۵ متر</p>



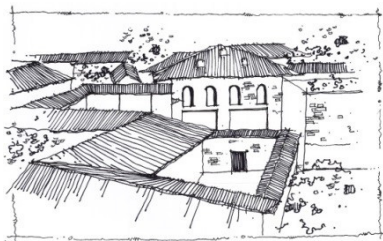


<p>تداوم بصری</p> <p>بافت قدیم گرگان، بافتی کاملاً همگن با پوشش سفالی است و هیچ جا خط افق و اختلافات ارتفاعی که در نمای ساختمان‌ها است؛ دیده نمی‌شود. زمین‌ها و ساختمان‌های کوچک به یکدیگر نزدیک‌ترند و بازتاب آن در تأثیرات بصری به صورت فشردگی دیده می‌شود. تداوم و یکپارچگی جداره‌های بافت در مجموع غنای بصری را برای ناظر تأمین می‌نماید. ترکیب هماهنگی از خطوط، فرم، رنگ و بافت در جداره‌های بافت، کیفیات بصری را ارتقا داده است. عنصر خط آسمان در این بافت، تجلی‌گاه ترکیب فرم در کالبد خیابان به شمار می‌رود و مظهر نظم و تنوع در سیمای محله است. تناسبات و خطوط تقسیم پنجره، بالکنی‌ها، پنجره‌های طولی راه‌پله، عناصر معماری، تداوم و هارمونی رنگ آجری و سفال‌ها مجموعاً ریتم بصری را در زمینه جداره برجسته می‌کنند.</p>	 <p>تصویر ۱۲. تناسبات، پیوستگی، تزیینات و اختلافات ارتفاعی در جداره خارجی مجموعه تقوی، حس تداوم بصری را تقویت می‌نماید.</p>
<p>تباين</p> <p>از خصوصیات مهم فضاهای متباین، پهن و باریک شدن فضا و همچنین سرباز و سر بسته بودن آن است. این ویژگی در بافت محله سرچشمه بوضوح قابل مشاهده است. گذر تنگ و باریک مجاور مجموعه باقری که به یکباره به گشودگی مقابل امامزاده نور می‌رسد؛ نمونه‌ای از ترکیب پیوسته فضاهای متباین است. برخی از قسمت‌ها ارتفاعات متفاوت دارند که این امر احساس مجذوب‌کننده‌ای از تباين را در ناظر ایجاد می‌کند.</p>	 <p>تصویر ۱۳. نمونه‌ای از فضاهای متباین در گذرهای محله سرچشمه؛ (مأخذ: توسلی)</p>
<p>تنوع</p> <p>در محله سرچشمه، زمین‌ها به دلیل حدود مالکیت دارای اشکال بسیار متنوعی هستند. در بین آنها زمین‌های با ۴ ضلع تا زمین‌هایی تقریباً بی‌شکل را می‌توان مشاهده کرد. برای نمونه مجموعه باقری‌ها بنائی ۱۶ ضلعی می‌باشد. این تنوع شکلی به همراه تفاوت در اندازه و تناسبات، تنوعی را موجب می‌گردد که خاص بافت‌های ارگانیک است. این تنوع را در نظام کاربری‌ها نیز می‌توان مشاهده نمود. گوناگونی فرم‌ها و فعالیت‌ها منجر به سرزندگی این محله و کشش مردم به درون بافت می‌شود. وجود میراث فرهنگی در مجاورت با بنای امامزاده نور به عنوان نشانه هویت‌بخش و خانه باقری‌ها که اکنون محل تجمعات اهل هنر و فرهنگ می‌باشد؛ سرزندگی و تعاملات اجتماعی را بسیار تقویت نموده و ضامن تنوع در محله هستند. آنچه در خصوص شکل کالبدی و نوع چیدمان فضاها در شبکه بافت محله سرچشمه حائز اهمیت می‌باشد؛ بیان‌کننده این نکته است که فضاها به گونه‌ای از پی هم پدیدار شده‌اند که عابر، فضاهای متفاوت و قابل تمایز از یکدیگر را به عنوان فضاهای متوالی با هم ادراک کرده است.</p>	



تعادل

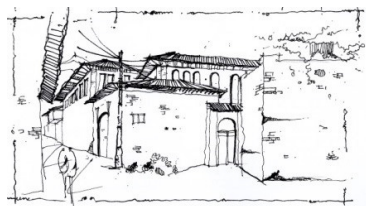
با نگاه کلی بر تک بناها و مجموعه محله سرچشمه، ریتم‌های متنوع و مختلف جداره را درک می‌کنیم که حس تداوم بصری را تقویت نموده و تعادل و تناسب در آنها به خوبی قابل مشاهده است. اغلب بناهای داخل بافت به دلیل قرار گرفتن در پیرامون حیاط مرکزی از نوعی تقارن، تعادل و ریتم خاصی برخوردار است و تناسبات کلی افقی و عمودی جداره‌ها، درب‌ها و پنجره‌ها در ارتباط با کل بافت، تعادلی چشم‌گیر را به نمایش گذاشته است. وجود این اصل، فقط مختص ظاهر و نمای ساختمان نمی‌شود و می‌تواند کاربرد گسترده‌ای در پلان، سازه و مصالح نیز داشته باشد. برای نمونه استفاده از مصالح متناسب با اقلیم منطقه در بناهای بافت، مصرف انرژی را در بنا متعادل می‌کند و آسایش حرارتی ساکنان را تأمین می‌سازد.



تصویر ۱۴. پرسپکتیو دید پرنده بافت

ترکیب

آنچه در بافت محله سرچشمه، منجر به ایجاد بافت شهری هماهنگ شده، وجود ارتباط معنی‌دار میان جزء و کل است. مجموعه‌های باارزش به عنوان اجزای تشکیل‌دهنده بافت تاریخی گرگان به گونه‌ای در کنار یکدیگر نظم می‌گیرند که نه تنها توسط ابعاد کمی و کیفی خود به عنوان یک جزء بر فضاهای عمومی تأثیر گذارند؛ بلکه در ترکیب با یکدیگر، کلیتی واحد را ایجاد می‌نمایند.



تصویر ۱۵. مجموعه بناهای بافت، وحدت مجموعه را پدید می‌آورد.

## ۸. نتیجه‌گیری

تقوی، حسینی‌ها، تکیه‌ها و بازار نعلبندان فراهم آورد. در این میان اماکنی نظیر مسجد جامع شهر و امامزاده نور به دلیل نقش پررنگ مذهبی و اجتماعی خود توانسته است تا به امروز فعال و سرزنده باقی بماند. عمده شباهت بافت محله سرچشمه به شهرهای اسلامی در زمینه الگوهای قطعه‌بندی است که همانند شهرهای کهن اسلامی بافت پیچیده و درهم‌تنیده‌ای دارد. هندسه ارگانیک قطعات، ابعاد متنوع بلوک‌ها و شبکه دسترسی موجود در بافت، دلیلی بر این مدعاست. ویژگی بعدی درون‌گرایی منحصربه‌فرد آن می‌باشد که هم در ساختار محله و هم در بناها به وضوح مشهود است. اماکن و عناصر شاخص به یکباره نمایش داده نمی‌شوند؛ بلکه با گذر از کوچه‌های پرپیچ و خم بافت

برخی از هنجارهای کیفیات محیطی نظیر تعادل، ارتباط، پیوستگی، تباین و... غالباً در ساختار ریخت‌شناسی شهرهای ایرانی-اسلامی نمود یافته‌اند. این نمودها را می‌توان به طور مشخص در هسته تاریخی بسیاری از شهرهای جهان اسلام ملاحظه نمود. گرگان از جمله شهرهای است که به دلیل سابقه تاریخی زیاد، نمودهای یاد شده را در هسته تاریخی خود بازتاب داده است. با ورود اسلام به ایران و تصرف شهر گرگان، مورفولوژی شهرگرگان نه تنها در تقابل با ساخت شهر اسلامی قرار نگرفت؛ بلکه بدون تغییر در ساختار اصلی، زمینه و بستر لازم را برای ظهور و تقویت عناصری نظیر مسجد جامع، امامزاده نور، مدرسه







شدن سبک زندگی، ساکنان بافت به دلیل پاسخگو نبودن نوع معماری و شهرسازی بافت کهن، اقدام به بازسازی و تخریب بنای خود می‌کنند. امری که رفته رفته منجر به نابودی یادگارهای با ارزش گذشته می‌شود.

بنابراین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در بعد ریخت‌شناسی، تغییرات گسترده در ساختار شهر ایرانی-اسلامی گرگان، وجود نداشته است. اما مداخلات کالبدی گسترده که طی چند دهه اخیر صورت گرفته است خطر اضمحلال ساختار ریخت‌شناسی بافت را در پی دارد. این مداخلات عمدتاً با خیابان‌کشی‌های جدید آغاز شد. در حقیقت، وجود خیابان در بافت تاریخی شهر علاوه بر این که به لحاظ کالبدی باعث تخریب و گسستگی بافت شده است؛ ساختار سلسله‌مراتبی شبکه معابر و عناصر عملکردی آن را نیز دچار دگرگونی عمیق کرده است. از این رو، تغییرات کالبدی، مقدمه‌ای بر تغییرات ریخت‌شناسی شهر گرگان است که می‌تواند بر عملکرد عناصر سازنده‌ی این محله به طور مستقیم تأثیرگذار باشد. بر این اساس، در مسیر احیای هنجارهای کیفیات محیطی وابسته به ریخت، محله‌ی مورد مطالعه نیازمند باززنده‌سازی در بناها، مراکز محله، اماکن عمومی قدیمی همچون مجموعه باقری‌ها، مجموعه تقوی-ها و... می‌باشد. جانمایی ساختمان‌های نوساز در زمین‌های خالی یا روی بناهای مخروبه نیز باید به گونه‌ای باشد که بر اهمیت این مجموعه‌های یادمانی و اسلامی تأکید کند. عمارات با ارزش گذشته اگر قرار است باقی بمانند باید با تغییرات سطحی و رویکرد حفاظتی مرمت شوند تا بتوان فرسودگی کالبدی و عملکردی آنها را تاحدی جبران نمود. لذا ضروری است تا اصول طراحی بافت‌های قدیمی و خصوصیات کالبدی-ریخت‌شناختی آنها شناسایی گردد و بتوان از این الگوها جهت طراحی در بافت‌های جدید شهری استفاده کرد. هم‌چنین در روند باززنده‌سازی می‌توان شرایطی را فراهم کرد تا بهره‌برداران بتوانند طی یک سلسله‌مراتب مناسب، زیبایی‌ها و کیفیات بنا را درک کنند و به ارزش‌های آن پی ببرند. بنابراین برای باززنده‌سازی باید از درون بافت الهام گرفته شود. خانه‌ها، بدنه، جداره‌ها، کیفیات بصری و... از بافت کهن استخراج

خود را شکوفا می‌سازند و از این طریق به ایجاد فضاهای متباین کمک می‌نمایند. مرکز محله‌ها به گونه‌ای در دل بافت قرار گرفته‌اند که افراد غریبه به راحتی به آن نفوذ پیدا نمی‌کنند. به لحاظ تراکم، تناسبات، طبقات و هندسه احجام به گونه‌ای در کنار هم قرار گرفته‌اند که تشکیل حیاط مرکزی داده‌اند و تداوم بصری را با استفاده از عناصر به کاررفته در نماها تقویت می‌نمایند. وجود حیاط مرکزی در بیشتر خانه‌های این محله علاوه بر کارکرد اقلیمی و توجه ساکنان به طبیعت، برای حفظ حریمیت ساکنان خانه-که با اصول شهرسازی اسلامی نیز سازگار است- شکل گرفته است. ارتباط بین فضاهای پر و خالی، پیوند قوی با طبیعت و در نهایت ایجاد فضاهایی در مقیاس انسان برای عطف به درون که با سایر شئون جنبی نظیر تعادل، پیوستگی، تباین و وحدت عجین شده است؛ زنجیره واحدی را در قلب محله سرچشمه ایجاد نموده است. وحدت مفهومی که ارتباط مستقیمی با نگاه تاریخی و فرهنگی ساکنان بافت دارد؛ سیمایی واحد به محله عرضه می‌دارد که همه عناصر در جهت وحدت کل مجموعه عمل می‌کنند. در واقع عناصری مانند پنجره‌ها، جداره‌ها، نرده‌ها و مصالح هماهنگ بکار رفته در بناها در تعیین تداوم بصری نقش می‌یابند.

در این ارتباط، آنچه امروزه از بافت تاریخی سرچشمه باقی مانده است؛ مجموعه‌ای گسسته از بناهای با ارزش تاریخی نظیر خانه باقری‌ها، خانه تقوی‌ها، امامزاده نور، تکیه و شبکه معابر می‌باشد. لازم به ذکر است؛ بسیاری از معابر گذشته به علت نیاز روزانه ساکنان به اتومبیل عریض شده‌اند و عناصری نظیر حمام‌ها و کاروان‌سراها به واسطه تغییر در سازمان عملکردی متروک و تخریب شده‌اند. درحقیقت، ساختار مورفولوژی این محله در گذشته مطابق با الگوهای اسلامی بوده است. هم‌اکنون نیز در بناها و معابری که بازسازی و تخریب نشده‌اند؛ عناصر به همان شکل گذشته خود باقی مانده‌اند. با بررسی ریخت عناصر شاخص نظیر مجموعه باقری‌ها، مجموعه تقوی‌ها، خانه شیرنگی و امامزاده نور که از گذشته باقی مانده‌اند؛ نمودهایی از هنجارهای معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی قابل مشاهده است. اما با ورود مدرنیته و پیشرفته





استفاده از سنج‌های حاصل از نظرات این سه متخصص، به آزمون ایرانی-اسلامی بودن محله مورد نظر می‌پردازیم. بر این اساس، کیفیات محیطی از منظر ریخت بررسی شده و زیرهنجارهای وابسته به آن در محله سرچشمه مورد مطالعه قرار گرفته است. با مشاهده مؤلفه‌های اسلامی برآمده از دیدگاه صاحب‌نظران در محله مورد نظر، به این نتیجه می‌رسیم که زیبایی در این محله جاری است و با نگهداری، احیا و باززنده‌سازی این معیارها می‌توان زیبایی را به بافت القا نمود. بدیهی است باززنده‌سازی از دیدگاه منظر نیز می‌تواند سرآغاز پژوهش دیگری باشد.

گردد و در توسعه‌های جدید مورد استفاده قرار گیرد. در واقع وظیفه شهرسازی اسلامی این است تا ارزش‌های اسلامی را با نیازهای امروز تطبیق دهد و به ساخت شهر اسلامی کمک نماید.

### مؤخره

افراد متعددی از جمله توسلی، نقی‌زاده و نقره‌کار در زمینه ریخت‌شناسی مطالعات ارزشمندی داشته‌اند که بصورت تئوری بیان نموده‌اند؛ اما دیدگاه جامعی که بتواند این مسأله را بصورت عملی در مورد پژوهی مورد نظر پیاده سازد وجود نداشته است. برای پرداختن به این مسأله می‌توان از زوایای دیگری به موضوع پرداخت. بنابراین، در محله سرچشمه با

### پی‌نوشت

۱. Gzavyh Planovl

۲. Jay Van Gronbam

۳. Adel E Ismail

۴. Kahera

۵. Babur Johnson

۶. Besim Hakim Salim

۷. Moudon

۸. Carmona

۹. Shultz

۱۰. Burckhardt

۱۱. Ben-Hamouche

۱۲. Raymund

۱۳. Abu-Lughod

۱۴. Kazerooni

۱۵. Galantay

۱۶. Lee

۱۷. Rhee

۱۸. Roberts

### منابع

۱. افشار نادری، کامران. ۱۳۷۵. مشترکات شهرسازی در جهان اسلام. فصلنامه *آبادی* ۶ (۲۲): ۴۶ - ۵۳.
۲. انصاری، ابراهیم. ۱۳۸۱. جایگاه اجتماعی محله در شهرهای اسلامی با تأکید بر اصفهان. *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان* (۱۳): ۱۵-۲۶.
۳. ایازی، سید علی نقی. ۱۳۸۷. تبیین اندیشه اسلامی پیرامون شهر و شهرنشینی با تأکید بر متون دینی. در *نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۴ اسفندماه*.
۴. بemat، نجم‌الدین. ۱۳۶۹. *شهر اسلامی*. ترجمه‌ی محمد حسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ.
۵. بنهولو، لئوناردو. ۱۳۶۹. *تاریخ شهر- شهرهای کشورهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطی*. ترجمه‌ی پروانه موحد. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.



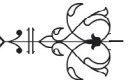


۶. پیتربرج، گای. ۱۳۸۰. معماری بومی: خانه و جامعه، معماری جهان اسلام (تاریخ و مفهوم اجتماعی آن). ترجمه‌ی یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.
۷. توسلی، محمود. ۱۳۶۷. اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران. تهران: مرکز مطالعات شهرسازی و معماری ایران.
۸. حبیبی، سید محسن. ۱۳۸۷. از شار تا شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. حاجی عیدی، حجت الله. ۱۳۹۲. بازسازی بافت تاریخی جهت هویت‌بخشی به فضاهای شهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. واحد علوم تحقیقات سیرجان.
۱۰. خیرآبادی، مسعود. ۱۳۷۶. شهرهای ایران. ترجمه‌ی حسین حاتمی‌نژاد و عزت‌اله مافی. مشهد: نشر نیکا.
۱۱. رضایی، محمود. ۱۳۹۲. ارزش‌های جاوید و جهان‌گستر شهرسازی اسلامی (بازنمودی از نگرش‌های فراکالدی و فرازمانی شهراسلامی). مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی ۴۵ (۳): ۱۶۹-۱۹۰.
۱۲. سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۷۲. تأثیر اسلام در ساخت شهر. مجله معماری و شهرسازی (۲۶-۲۵): ۴۴-۵۱.
۱۳. شکویی، حسین. ۱۳۷۳. دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
۱۴. غنی‌زاده، مسعود. ۱۳۸۵. نگاهی به شهر در تمدن اسلامی. نشریه راهبرد توسعه (۷): ۱۹۷-۲۱۰.
۱۵. مقدسی، ابوعبداله محمدبن‌احمد. ۱۳۶۱. احسن‌التقسیم فی معرفه الاقالیم، جلد ۲. ترجمه‌ی علی نقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
۱۶. میرمحمدی، حمیدرضا. ۱۳۷۵. سیما و بافت شهرهای اسلامی. نشریه مشکوه (۵۳): ۱۷۸-۱۸۹.
۱۷. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی و شرکت طرح و نشر پیام سیما.
۱۸. \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۹. مبانی نظری معماری. تهران: دانشگاه پیام نور
۱۹. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۵. معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری). اصفهان: انتشارات راهیان.
۲۰. \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۷. شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)، جلد اول. اصفهان: انتشارات مانی.
۲۱. \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۹. صفات شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم. صحیفه مبین ۲ (۵): ۴-۳۹.

## References

1. Abu-Lughod, J. L. 1987. The Islamic City: History Myth, Islamic Essence, and Contemporary Relevance. *International Journal of Middle East Studies* 19 (2):155-176.
2. Afshar naderi, Kamran. 1996. *Urbanism, Similarities in Islam World*. Abadi Journal 6(22): 46-53.
3. Ansari, Ebrahim. 2002. Social Position of the Neighborhood in Islamic Cities with Emphasis on Isfahan. *Journal of Isfahan University* (13): 15-26.
4. Ayazi, Seyed Ali Naghi. 2008. Explanation of Islamic Thought around the City and Urbanization with an Emphasis on Religious Texts. In *The first Conferences of Islamic Utopia*. Isfahan, Isfahan University, 4 March.
5. Bmat, Najm al-Din. 1990. *Islamic city*. Translated by Mohammad Hossein Halimi and Manizheh Eslambolchi. Tehran: Printing & Publishing Organization of the Ministry of Culture.
6. Benevolo, Leonardo 1990. *City History- Islamic Countries and European Cities in the Middle Ages*. Translated by Parvaneh Movahed. Tehran: University Press Center
7. Ben-Hamouche, M. 2009. Complexity of Urban Fabric in Traditional Muslim Cities: Importing old Wisdom to Present Cities. *Urban Design International* (14): 2-35.
8. Burckhardt, T. 2009. *Art of Islam: Language and Meaning*, World Wisdom. India: Bloomington.
9. Carmona, Matthew. 2006. *Public Places –Urban Spaces*. Oxford: Architectural press.
10. Galantay, E.Y.1977. The Labyrinth and the Grid: Basic Types of Urban Form. *Swissair Gazette* (10).
11. Ghanizadeh, Masoud. 2006. A Glance to the City in Islamic Civilization. *Journal of Development Strategy* (7): 197-210.
12. Habibi, Seyed Mohsen. 2008. *From Flux to city*. Tehran: Tehran University Publications.
13. Haji Eydi, Hojjatollah. 2013. *Rehabilitation of the Historic Texture for Identity to Urban Spaces*. Master Thesis. Science and Research Branch of Sirjaan.
14. Hakim, B. S. 1986. *Arab-Islamic Cities: Building and Planning Principles*. Kegan Paul International Limited: London.
15. Kahera, Akel Ismail. 1997. *Building, Dwelling and Reasoning: A Discourse on Maliki Legal Practice and the Ordering of Habitat in the Medieval Maghrib*. Unpublished PhD Dissertation: Princeton University.
16. Kazerooni, F. 2009. *Persian Gulf Islamic Architecture*. Tehran: Rahnama Press.
17. Kheirabadi, Masoud. 1997. *Cities of Iran*. Translated by Hossein Hataminezhad and Ezatollah Mafi. Mashhad: Nika





## Publications.

18. Lee, Kyu In, Rhee, Jang Ook .2007. An Establishment of Key Issues and Planning Goals of Sustainable Urban Regeneration, Sustainable Urban Regeneration in *Proceedings of the International Conference on Sustainable Building Asia*. Seoul, Korea, 27-29 June.
19. Mir-Mohammadi, Reza. 1996. Aspect and Texture of Islamic Cities. *Mashkut* (53): 178-189.
20. Moghaddasi, Abu Abdollah. 1982. *Ahsanaltaqasim fi Marafh Aghalim, Vol. 2*. Translated by Ali Naghi Monzavi. Tehran: Corporation of Authors and Translators.
21. Moudon, Anne Vernez. 1994. Getting to Know the Built Landscape: Typomorphology. In *Ordering Space: Types in Architecture and Design*. Karen A.Franck and Lynda H. Schneekloth(eds.) New York
22. Naghizadeh, Mohammad. 2000. Characteristics of the Islamic City in Holy Quran View. *Semi-Annually Journal of Sahife Mobin* 2(5): 4-40.
23. \_\_\_\_\_. 2006. *Islamic Architecture and urbanism (Theoretical)*. Isfahan: Rahyan.
24. Naghizadeh, Mohammad. 2008. *Islamic City and Architecture (Manifestations and Objective)*. Isfahan: Mani Publishers.
25. Noghrekar, Abd al-Hamid. 2008. *Introduction to Islamic Identity in Architecture and Urbanism*. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development.
26. \_\_\_\_\_. 2010. *Theoretical Fundamental of Architecture*. Tehran: Payam-e-Noor University Publications.
27. Norberg Schulz, C. 1979. *Khan Heidegger and the Language of Architecture*. Cambridge: The MIT Press, 28-47.
28. Peter Bridgewater, Guy. 2001. *Native Architecture: House and Community. Islam World (History and Social Context)*. Translated by Yaghoob Azhand. Tehran: Mola Publications.
29. Raymond, Andre. 1984. *The Great Arab Cities in the 16th - 18th Centuries: an Introduction*. New York and London: New York University press.
30. Rezaei, Mahmoud. 2013. Eternal and International Concepts of Islamic Cities (Revealing Urban Islamic Views Far beyond the Body and Time). *Journal of Human Geography* 45(3): 169-190.
31. Roberts, Peter. 2000. *The Evolution Definition and Purpose of Urban Regeneration*. London: Sage Publication.
32. Selim Hakim, B .1995. Missing elements for a theory of urban form in traditional Islamic cultures. *Arch. & Comport/ Arch & Behav* 11 (3-4): 221-226.
33. Shokoe, Hossein. 1988. *New Perspectives in Urban Geography*. Tehran: The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT).
34. Soltanzadeh, Hossein. 1993. The Influence of Islam on the City Manufacture. *Architecture and urbanism Journal* (25-26): 44-51.
35. Tavassoli, Mahmoud. 1988. *Principles and Methods of Urban Planning and Residential Areas in Iran*. Tehran: Research Center of Urban Planning and Architecture of Iran.
36. UN-HABITAT. 2005. Islam, land & Property Research Series: *Paper-WAQF (ENDOWMENT) and Islamic Philanthropy*. United Nations: Hum.







## A Comparative Study of Morphological Norms of Islamic Urbanism in Historical Texture (Case Study: Neighborhood Sarcheshmeh of Gorgan City)

Mostafa Behzadfar \*

Professor of Urbanism, School of Architecture and Urbanism, University of Science and Technology

BoushinRezvani\*\*

Masters student of Urban Design, School of Architecture and Urbanism, University of Science and Technology

Received:22/11/2014

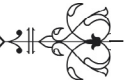
Accepted:02/06/2015

### Abstract

Despite the existence of rich cultural, historical and technological foundations in the architecture and urbanism of Iran, current condition depicts weaknesses, inadequacy, deficiency, alienation and identity crisis. The lack of a systematic approach toward Islamic urbanism for implementing sympathetic demands is one of the most important contemporary issues. This subject is particularly obvious in regeneration of historical urban textures, while Islamic cities are physical masses that can convey the past traditions of a society to the new generations in the modern world. The absence of a systematic approach for explaining the characteristics of Islamic urbanism deteriorates the conditions. In fact, historical textures are parts of the modern cities which could be realized as the signs of Islamic models with a little attention to their half-dead bodies. Each historic fact in order to play a prominent role in its current environment and to be further than an antique object must locate in a dynamic space. That is because the continuity of the life and dynamism of a city in contemporary world demand adapting and responding to cultural, economic and other needs of modern citizens. Iranian-Islamic cities have been facing explicit morphological changes since early 1900s. Hence, studying these cities, concepts related with urban restoration and associated literature in the context of urban morphology, this research tries to develop Islamic models which have compatible and responsive Islamic atmosphere, and link Iranian-Islamic values to the physical body of the cities. It is expected that old textures of temporary cities, which are splendid heritages of Iranian-Islamic cities and are found everywhere, can be centers for thinking, performing and modeling in local architecture and urbanism, but it rarely occurs. The mentioned problem is more observable especially with regard to morphological aspects. In other words, regarding related environmental qualities, the contrasts between former and contemporary forms of historical textures in Iranian-Islamic cities is the pivot of designing challenges that should be considered. This paper, aims to identify morphological norms from an Islamic architectural point of view, while defining Islamic cities and their components and criteria, besides comparing the historical districts of Gorgan city with ancient Iranian-Islamic cities. Following these aims, case study strategy is chosen, and the historic texture of Gorgan city, which had a great effect on the evolution of this historic city and has been especially important in the period of Qajar dynasty, is selected as case study. The reason for this choice is that there are important signs of this period in the mentioned case study,

\* Email:behzadfar@iust.ac.ir

\*\* noushin.rezvani@yahoo.com



and they are the architectural and urbanism heritage of recent centuries. With regard to the necessity of implementation of Islamic urbanism heritage in contemporary cities, the goal of this research is not to reach a monotonous prototype for all urban areas. Instead, its aim is to utilize the criteria in each city in accordance with proper type of values and chronological aspects. So that, the questions of this study are: Which factors can be used to evaluate the historical texture of Sarcheshmeh neighborhood in Gorgan city in order to reach an Iranian-Islamic prototype? And how can the mentioned factors be used? And finally, Does the morphological structure of this neighborhood follow the systematic arrangement of Islamic cities? Having a comparative approach, this research is the result of frequent observations and surveys of Sarcheshmeh historic district and the analysis of collected data, as well as the comparison of the experts' views. To use the rules, principles and reflected paradigms in such contexts, qualitative method and case study strategy applied to do this research. Firstly, by using documentary studies, theoretical basics of morphology, Iranian-Islamic urbanism and urban restoration were explained. Then, by utilizing archival studies the viewpoints of different persons including Tavassoli, Naghizade and Noghrekar about morphology were perused. As a result, the norms such as associativity, permeability, diversity and unity for evaluation of selected districts were defined. Afterward, referring to the comments of the mentioned theorists, the selected neighborhood has been comparatively studied. After extraction of the relevant criteria, identification of morphological qualities were done by the mean of surveys and site photos to refine the variables. As mentioned above, the analysis of the contents is one of the techniques of this research and its type is developing– practical. The consequences of the study show that the morphological norms derived from the opinions of different theorists such as Naghizade, Tavassoli and Noghrekar are obviously reflected in Sarcheshmeh district, and the morphology of old parts of Gorgan city pursue Islamic prototype this Iranian-Islamic city. Gorgan city can be considered among prominent cities in Iran that are established based on the principles and morphology system of Iranian-Islamic urbanism. Nonetheless, since the rise of Pahlavi dynasty and Reza Khan's modernism, these principles have been gradually vanishing, and this manner resulted in vast changes of many historic neighborhoods of the city in recent years. Hence, there has been no vast change in the structure of Iranian-Islamic structure of this city. However, the vast physical interferences in recent decades lead to the collapse of morphological structure.

**Keywords:** Islamic City, Urban Restoration, Morphology, Gorgan City, Sarcheshmeh Neighborhood.



**Managing Director:** vice chancellor for  
research-Iran University of Science and Technology

**Editor-in-chief:** Abdol Hamid Noghreh Kar

**Administrative Director:**

Mohammad Mannan Raeesi

**Administrative assistant:**

AmirHosein Yousefi

**Persian literary Editor:**

Sara Motevalli, Mohammad Naghi Taskin Doost

**English literary editor:** Boshra Abbasi

**Editorial Board Members:**

**Seyyed Gholam Reza Eslami:** Associate Professor,  
Tehran University

**Hasan Bolkhari:** Associate Professor, Tehran University

**Mostafa Behzadfar:** Professor,

Iran University of Science and Technology

**Mohammad Reza Pourjafar:** Professor,  
Tarbiat Modares University

**Mahdi Hamzeh Nejad:** Assistant Professor,  
Iran University of Science and Technology

**Esmail Shieh:** Professor, Iran University  
of Science and Technology

**Manoochehr Tabibian:** Professor, Tehran University

**Mohsen Faizi:** Professor, Iran University  
of Science and Technology

**Hamid Majedi:** Associate Professor, Science and  
Research Branch, Islamic Azad University

**Asghar Mohammad Moradi:** Professor, Iran University  
of Science and Technology

**Gholam Hossein Memarian:** Professor, Iran University  
of Science and Technology

**Fatemeh Mehdizadeh:** Associate Professor, Iran University  
of Science and Technology

**Mohammad Naghizade:** Assistant Professor, Science and  
Research Branch, Islamic Azad University

**Ali Yaran:** Associate Professor, Iran Ministry of Science,  
Research and Technology

**Design assistant:** Eng AmirHosein Yousefi

### Reviewers for Volume3, Number6:

**Bahman Adib Zadeh:** Associate Professor ,Shahid  
Beheshti University

**Ali Asadpoor:** teacher, Shiraz Art University

**Mohammad Reza Pourjafar:** Professor,Tarbiat  
Modares University

**Amir Ahmad Aminian:** Assistant Professor,Imam  
Reza University

**Saeid Ali Tajer:** Assistant Professor, Boooli  
University

**Mohammad Hosein Zakeri:** Assistant Professor,  
Shiraz University

**Leila Rahimi:** Assistant Professor, Tabriz University

**Mohammad Manan Raesi:** Assistant Professor, Iran  
University of Science and Technology

**Azadeh Shahcheraghi:** Assistant Professor, Science  
and Research Branch,IslamicAzad University

**Mehran Alalhesabi:** Assistant Professor, Iran  
University of Science and Technology

**Alireza Andalib:** Associate Professor, Imam Hosein  
University

**Mahmood Ghalenoei:** Assistant Professor, Art  
Esfahan University

**Mohamad Bagher Kabirsaber:** Assistant Professor,  
Tehran University

**Ghasem Motalebi:**Assistant Professor, Tehran  
University

**Gholamhosein Memarian:**Professor, Iran University  
of Science and Technology

**Seid Rasool Moosavi Haji:**Associate Professor,  
Mazandaran University

**Salahedin Molanaie:**Assistant Professor, Kordestan  
University

**Masood Nari Ghomi:**Teacher of Kashan University

**Behzad Vasigh:**Assistant Professor, Jondi Shapoor  
University

**Parisa Hashempoor:**Assistant Professor, Art Tabriz  
University







▣ **A Comparative Study of Morphological Norms of Islamic Urbanism in Historical Texture (Case Study: Neighborhood Sarcheshmeh of Gorgan City)**

Mostafa Behzadfar/ BoushinRezvani

▣ **A Model of Environmental Psychology in interaction with Islamic thought**

Masoud Nari Ghomi / Minou Gharehbaglou

▣ **Unknown Realm in Architecture, Requirement for Study of Epistemological Aspect of Humanity in Architecture**

Sajad Rishsefid Noshabadi / Azita Belali Oskoui / Mohammad Ali Kaynejad

▣ **Determining of educational role of Iranian school open spaces -Regarding the comparative investigation on traditional vs contemporary school (case studies: Chaharbagh, Darlofonoun and Alborz schools)**

Sara Tahersima / Homa Irani Behbahani / Kaveh Bazrafkan

▣ **Architecture Heritage through the Understanding of Foreign Tourists from 15th to 16th century - Case study: Analyses of anatomic resistance quality in Blue Mosque based on rereading the historical documents**

Mohammadbagher Kabirsaber / Mahnaz Peyrovi

▣ **Ijuk Brickwork Decorations and Their Sustainability in Khwarezm and Ilkhanid Decorations**

Atefeh Shekofteh / Hossein Ahmadi / Omid Oudbashi

▣ **Exploring Analysis of the practical meaning of Chahar-bagh, on the basis of eighth to the eleventh century AH. Reference Literature**

Mohammad Masoud / Ahmad Aminpoor / Hamid Agha-SharifianIsfahani